

منشور کانون مدافعان حقوق کارگر

به منظور دفاع از حقوق بنیادی کارگران، که در این منشور، مزد و حقوق بگیران تعریف شده اند، کانونی به نام "کانون مدافعان حقوق کارگر" در چارچوب مندرجات این منشور و اساسنامه ای که به تصویب مجمع عمومی خواهد رسید، تشکیل می گردد. برخورداری از کلیه حقوق و مزایای مندرج در اعلامیه و میثاق های جهانی حقوق بشر، کنوانسیون های بین المللی حقوق کار و حقوق اجتماعی قانون اساسی و قوانین داخلی، طبیعی ترین حق کارگران است. مهمترین این حقوق عبارتند از:

۱. حق اشتغال و برخورداری از یک زندگی شرافت مندانه
 ۲. حق برخورداری از امنیت شغلی
 ۳. حق برخورداری از پوشش تامین اجتماعی مناسب
 ۴. حق برخورداری از آزادی های سیاسی و اجتماعی (آزادی بیان، اندیشه و هرگونه اعتراض)
 ۵. برخورداری از ادانه ی حق ایجاد تشکل های مستقل برای همه ی کارگران و مزد و حقوق بگیران
 ۶. حق برخورداری از مسکن مناسب
 ۷. شرکت موثر نمایندگان واقعی کارگران در جریان قانون گذاری در زمینه حقوق کارگران
 ۸. رفع هرگونه تبعیض در محیط کار و منع کار کودکان
- کانون نهادی است دائمی، که در چارچوب اساسنامه ای که به تصویب مجمع عمومی موسس خواهد رسید، در جهت تحقق اهداف فوق، فعالیت خواهد کرد.

اساس نامه کانون مدافعان حقوق کارگر

فصل اول

کلیات:

ماده ۱ - تعریف:

کانون مدافعان حقوق کارگر، که در این اساس نامه به اختصار کانون نامیده می شود، تشکیلاتی است فراگیر که مدت آن نامحدود و تابعیت آن ایرانی و مرکز آن در تهران است. با تصویب هیات اجرایی می توان شعب کانون را در سایر نقاط کشور تاسیس کرده و یا محل شعبه ی ایجاد شده را در همان حوزه تغییر داد.

ماده ۲ - هدف:

کانون بر مبنای منشور مصوب مجمع عمومی در دفاع از حقوق کارگران فعالیت می کند.

فصل دوم

عضویت:

ماده ۳ - عضویت در کانون برای کلیه اشخاصی که منشور و اساس نامه ی کانون را پذیرفته و حق عضویت بپردازند، آزاد است. تبصره ۱: معرفی دو نفر از اعضا برای پذیرش اعضای جدید، الزامی است.

ماده ۴ - لغو عضویت: در صورت تحقق هر یک از موارد زیر، بر اساس صورت جلسه ی هیات اجرایی، عضویت فرد به حالت تعلیق در می آید:

- نقض تمام یا برخی از مواد منشور یا اساس نامه

- همراهی و همکاری با محافل ضد کارگری

تبصره: تصمیم قطعی در مورد اخراج یا ادامه ی عضویت عضو تعلیق شده، با مجمع عمومی است.

فصل سوم

ارکان

ماده ۵ - ارکان کانون عبارتند از:

۱. مجمع عمومی

۲. هیات اجرایی

۳. بازرسان

۴. کمیسیون ها

ماده ۶ - تعریف مجمع عمومی: مجمع عمومی بالاترین ارگان تصمیم گیری کانون است و به دو شکل عادی و فوق العاده، نشست های خود را برگزار می کند.

ماده ۷ - مجمع عمومی عادی: مجمع عمومی هر سال یک بار به طور منظم تشکیل می شود.

ماده ۸ - مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده: مجمع فوق العاده در صورت نیاز به درخواست هیات اجرایی، یا بازرسان و یا یک چهارم اعضا تشکیل می شود. وظایف و اختیارات و نحوه ی اداره ی مجمع عمومی فوق العاده برابر مجمع عمومی عادی است.

وظایف و حدود اختیارات مجمع عمومی:

ماده ۹ - استماع گزارش فعالیت سالانه ی هیات اجرایی و بازرسان و تصویب آن

ماده ۱۰ - تعیین خط مشی و برنامه کانون در فاصله بین دو مجمع

ماده ۱۱ - تصویب یا اصلاح اساس نامه و منشور کانون

ماده ۱۲ - انتخاب یا تغییر اعضای هیات اجرایی و بازرسان

ماده ۱۳ - تصمیم گیری در مورد ادامه عضویت و یا اخراج اعضای تعلیق شده

ماده ۱۴ - تعیین میزان حق عضویت

ماده ۱۵ - رسیدگی و اتخاذ تصمیم در سایر اموری که منطبق با اساسنامه کانون به مجمع پیشنهاد می شود.

ماده ۱۶ - چگونگی برگزاری و اداره مجمع عمومی: جلسات مجمع عمومی به وسیله ۶ نفر، رئیس، نایب رئیس و منشی و ۳ ناظر که از میان داوطلبان با اکثریت نسبی حضرات انتخاب می شوند، اداره خواهد شد.

ماده ۱۷ - حضور دست کم نصف به اضافه یک اعضا برای رسمیت یافتن مجمع ضروری فاست. در صورت نرسیدن به حد نصاب به فاصله حداقل ۱۵ روز جلسه دیگری با هر تعداد از اعضا که کمتر از یک سوم نباشد، رسمیت می یابد.

ماده ۱۸ - اتخاذ تصمیم در مورد هر مسئله دیگری که در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده نباشد

ماده ۱۹ - هرگونه تغییر در مقررات و مواد این اساسنامه و اتخاذ تصمیم نسبت به انحلال کانون در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده است. نصاب رسمیت حضور دوسوم اعضای کانون در جلسه است. هیچ مجمع فوق العاده ای با حضور کمتر از نصف اعضای کانون قادر به اتخاذ تصمیم نیست

هیات اجرایی:

ماده ۲۰ - هیات اجرایی برگزیده‌ی مجمع عمومی به روش رای گیری مستقیم و مخفی و مسئول اجرای مصوبات آن و تدوین سیاست های کانون برای مدت ۲ سال است.

ماده ۲۱ - تعداد اعضای اصلی هیات اجرای هفت نفر، و اعضای علی‌البدل چهار نفر است

ماده ۲۲ - اعضای هیات اجرایی در اولین جلسه بعد از مجمع عمومی از بین خود ۴ نفر را به عنوان دبیر هیات اجرایی، معاون دبیر، منشی و خزانه‌دار برای مدت یک سال انتخاب می‌کنند.

تبصره: هر یک از اعضای هیات اجرایی تنها می توانند یکی از سمت‌های موضوع ماده ۱۴ یا مسوول کمیسیون‌ها باشند.

ماده ۲۳ - تصویب برنامه و طرح‌های پیشنهادی کمیسیون‌ها بر عهده‌ی هیات اجرایی است.

ماده ۲۴ - دریافت پیشنهاد عضویت افراد و تصمیم گیری در مورد آن به عهده‌ی هیات اجرایی است.

ماده ۲۵ - تصمیم‌گیری در باره تعلیق عضویت برابر اساسنامه

ماده ۲۶ - تصویب دستور جلسه مجمع عمومی و ارائه گزارش فعالیت‌های هیات به مجمع عمومی وظیفه‌ی هیات اجرایی است.

ماده ۲۷ - گشایش حساب بانکی با سه امضا و حق برداشت دو نفر از سه نفر صاحب امضا وظیفه‌ی هیات اجرایی است.

ماده ۲۸ - هیات اجرایی می‌تواند از میان خود یک نفر را به عنوان سخن گویا انتخاب کند

ماده ۲۹ - جلسات هیات اجرایی با حضور دو سوم اعضای اصلی رسمیت می یابد و باید حداقل ۱۵ روز یک بار تشکیل شود.

تبصره: در صورت غیبت پنج جلسه متناوب بدون عذر موجه و یا سه جلسه متوالی پس از طرح در هیات اجرائی اعضای علی‌البدل می‌توانند به ترتیب آراء جایگزین شوند

ماده ۳۰ - اتخاذ تصمیم در هیات اجرایی با رای مثبت نصف به اضافه یک حاضران در جلسه رسمی انجام می‌شود

ماده ۳۱ - اعضای هیات اجرایی می‌توانند حداکثر در دو دوره‌ی متوالی کاندیدا و انتخاب شوند.

وظایف دبیر هیات اجرایی

ماده ۳۲ - دبیر هیات اجرایی مسئول هماهنگی میان کمیسیون‌های کانون است.

ماده ۳۳ - دبیر هماهنگ‌کننده (تعیین زمان و مکان) و مسئول تشکیل جلسات عادی و فوق‌العاده هیات اجرایی است.

ماده ۳۴ - تمامی اختیارات و مسئولیت‌های دبیر در صورت غیاب وی به معاون دبیر تفویض می‌گردد.

خزانه‌دار:

ماده ۳۵ - خزانه‌دار مسوول امور مالی کانون است و کلیه‌ی اوراق بهادار کانون با امضای خزانه‌دار معتبر خواهد بود و وظایف و اختیارات:

ماده ۳۶ - اداره امور مالی کانون

ماده ۳۷ - تنظیم و نگهداری دفاتر و اسناد مالی کانون

ماده ۳۸ - دریافت حق عضویت و کمک‌های مالی تصویب شده توسط هیات اجرایی، ارائه رسید و ثبت در دفاتر

ماده ۳۹ - ثبت و نگهداری اموال منقول و غیرمنقول و نظارت بر هر نوع عملیات مالی کانون

ماده ۴۰ - تهیه و تنظیم ترانزنامه مالی کانون جهت ارائه به هیات اجرایی و بازرسان و مجمع عمومی که در محل کانون در اختیار بازرسان قرار می‌دهد.

منشی:

ماده ۴۱ - منشی مسئول انجام امور دفتری، هم‌آهنگی امور جاری هیات اجرایی ثبت صورت جلسات و نگهداری دفاتر و اسناد غیر مالی کانون است.

بازرسان:

ماده ۴۲ - مجمع عمومی دو نفر را به عنوان بازرسان اصلی و یک نفر را به عنوان بازرسان علی‌البدل از میان اعضای کانون با رای مخفی اکثریت نسبی برای مدت یک سال انتخاب می‌کند. تجدید انتخاب بازرسان برای یک دوره‌ی دیگر بلا مانع است.

تبصره: با خاتمه‌ی مدت مأموریت بازرسان تا زمان انتخاب و شروع به کار بازرسان جدید، بازرسان دوره گذشته هم چنان مسئول انجام وظایف محوله هستند.

اختیارات و وظایف:

ماده ۴۳- نظارت بر انطباق کلیه امور کانون با منشور، اساسنامه‌ی آئین نامه‌های مصوب و تصمیمات مجمع عمومی

ماده ۴۴- فراخوان به مجمع عمومی فوق العاده.

ماده ۴۵- رسیدگی به شکایت اعضا و در صورت لزوم تهیه‌ی گزارش و ارائه به مجمع عمومی و هیات اجرایی.

ماده ۴۶- نظارت و رسیدگی به دفاتر اوراق و اسناد مالی.

ماده ۴۷- اظهار نظر در باره‌ی تراز مالی به مجمع عمومی.

ماده ۴۸- بازرسان می‌توانند بدون حق رای در جلسات هیات اجرایی شرکت کنند.

تبصره ۱: کلیه‌ی وظایف و اختیارات فوق برای هر یک از بازرسان بطور جداگانه محفوظ است.

تبصره ۲: هزینه‌های مورد نیاز بازرسان با تصویب هیات اجرایی قابل پرداخت است.

کمیسیون‌ها

ماده ۴۹- کمیسیون‌ها بازوی اجرائی سیاست های کلی کانون که به تصویب هیات اجرائی رسیده است ، هستند وظایف کمیسیون‌ها:

ماده ۵۰- کمیسیون‌ها موظف به دریافت طرح‌های پیشنهادی اعضا و پس از تصویب در کمیسیون ارایه به هیات اجرایی هستند.

ماده ۵۱- کمیسیون‌ها موظف به اجرای طرح‌ها و سیاست‌های مصوب هیات اجرایی هستند.

ماده ۵۲- تعداد اعضای هر کمیسیون متناسب با شرایط به تصویب هیات اجرائی میرسد

ماده ۵۳- هر کمیسیون میتواند هیات رئیسه‌ای مرکب از یک نفر هیات اجرائی و دو نفر از اعضای کمیسیون برای خود انتخاب می‌کند.

ماده ۵۴- مصوبات کمیسیون‌ها با رای مثبت حداقل دو سوم اعضای رسمیت می‌یابد.

ماده ۵۵- هر کمیسیون آیین‌نامه‌ی داخلی خود را تدوین و جهت تصویب به هیات اجرایی ارایه می‌دهد.

کمیسیون‌های کانون عبارتند از:

ماده ۵۶- کمیسیون فرهنگی و آموزش که مسئول تهیه و تدوین مطالب مقالات و طرح های آموزشی مورد نیاز کانون است .

ماده ۵۷- کمیسیون حقوقی: وظیفه دفاع از حقوق کارگران و فعالان کارگری رادر مجامع داخلی و بین المللی ، قضائی و تهیه لوایح لازم برای دفاع از آنان را برعهده دارد.

ماده ۵۸- کمیسیون روابط عمومی و تدارکات: وظیفه‌ی اطلاع‌رسانی و ارتباط با تشکل‌ها و نهادهای داخلی و بین‌المللی در جهت پیشبرد اهداف کانون و نشر کتاب‌ها و جزوه‌ها و بیانیه‌های کانون از طریق وسائل مختلف ارتباط جمعی و هم چنین تهیه و تدارک برگزاری مراسم و تجمعات کانون است

جمع مشورتی

برای ایجاد هماهنگی و هم فکری بیشتر همه اعضا و فعالان کانون در جلسه‌های مشورتی به گفت‌وگو و تبادل نظر می پردازند. جلسه‌های جمع مشورتی ماهی یک بار تشکیل می‌شود و حضور تعدادی از اعضای هیات اجرایی در آن لازم است.

نظرات و راهکارهای طرح شده در جمع مشورتی، بدون ضمانت اجرایی راهنمایی عمل ارکان مختلف کانون خواهد بود.

فصل چهارم : منابع مالی :

ماده ۵۹- منابع مالی کانون عبارت است از دریافت حق عضویت ها و کمک های مالی دریافتی که به تصویب هیات اجرایی رسیده باشد. سقف کمک ها توسط مجمع عمومی هر ساله به تصویب می‌رسد. فرد یا نهاد کمک‌کننده به صورت شفاف باید با معیارهایی که در منشور کانون آمده است، منطبق باشد.

فصل پنجم: انحلال کانون

ماده ۶۰- انحلال کانون تنها با تصویب مجمع عمومی امکان‌پذیر است. دستور انحلال به وسیله‌ی هیات انحلال (تصفیه) منتخب مجمع عمومی مشخص می‌شود. این هیات وظیفه‌ی تصفیه امور کانون را برعهده خواهد داشت. روش تشکیل مجمع عمومی برای انحلال همان راهکار تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده‌ی کانون خواهد بود.

ماده ۶۱- کانون می‌تواند با رعایت قوانین و ضوابط مقرر در تشکل‌های دیگر که اهداف و عملیات مشابه دارند، ادغام شود.

ماده ۶۲- پیشنهاد ادغام باید در مجمع عمومی فوق‌العاده کانون قبول گردد.

این اساسنامه در پنج فصل و ۶۲ ماده و ۶ تبصره در تاریخ ۲۰/۲/۸۷ به تصویب مجمع عمومی رسید.

بحثی در باره مبانی نظری کانون مدافعان حقوق کارگر

کانون مدافعان حقوق کارگر بر مبنای منشور و اساسنامه‌ی خود کلیات مبانی نظری را تدوین کرده است. اما این کلیات متناسب با تغییرات موجود در جامعه و هم‌چنین حرکت مدام و رو به جلو جامعه‌ی بشری در هر لحظه و هر زمان و یا در هر مقطع زمانی نیاز به توضیحات و تدوین تاکتیک و استراتژی‌های متناسب با شرایط دارد. تا کنون بحثی در مورد استراتژی نظری کانون برای دستیابی به اهداف خود به صورت مدون ارائه نشده است. اکنون پس از یک سال فعالیت به نظر می‌رسد که شیوه‌های رسیدن به خواسته‌ها و اهداف کانون باید از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد. و هم‌چنین برنامه‌ی درازمدت و کوتاه مدت متناسب با آن مشخص گردد.

برای مشخص شدن برنامه‌ی دراز مدت ابتدا ضروری است که یک تحلیل منسجم از وضعیت کلی حاکم بر جامعه جهانی و به تبع آن جامعه‌ی ایران ارائه گردد و متناسب با آن راه کارهای درازمدت دستیابی به اهداف کانون را مشخص کنیم. به همین دلیل ابتدا تحلیل مختصری از شرایط اقتصادی حاکم ارائه داده و سپس به ارائه راهکارهای موجود در رسیدن به اهداف مورد نظر میپردازیم.

بحران سرمایه داری

اولین مساله، بحران جهانی سرمایه داری است که در سالهای اخیر سراسر جامعه‌ی جهانی را در بر گرفته و می‌رود تا با تداوم خود مناسبات موجود را به چالش بکشد. سقوط دارایی‌های مالی جهان سرمایه داری به میزان ۵۱ هزار میلیارد دلار بر طبق آخرین تخمین‌های منابع مالی، ترکیدن حباب قیمت‌ها در کلیه جوامع سرمایه داری که ناشی از بحران اضافه تولید و سیاست‌های تزریق پول در بازار بر طبق نظریات جان مینارد کینز و نظام برتن وودز بود سبب شده تا به یک باره کشورهای سرمایه داری و نظام حاکم بر جهان با سقوطی بیسابقه در یک صد ساله‌ی گذشته مواجه شود. این سقوط آن‌چنان بزرگ و عمیق بود که تئوریسین‌های سرمایه داری را وادار به قبول شکست نظام بازار آزاد کرد.

تئوریسین‌های سرمایه داری که بخصوص در دو دهه اخیر و به اصطلاح دوران جهانی سازی سرمایه همواره از ابدی بودن نظام سرمایه داری و پایان تاریخ و ازلی بودن نظام سیاسی لیبرالیسم و نولیبرالیسم دم میزدند در ظرف مدت کوتاهی همه‌ی تئوریهای خود را پس گرفتند و وظایف بازار را بر عهده‌ی دولت‌ها قرار دادند. که آخرین آن ورشکستگی جنرال موتورز این تبلور قدرت سرمایه داری در یک صد سال گذشته بود. دخالت دولتها با اتکا به هزینه نیروی کار برای نجات سرمایه داری ورشکسته فصل جدیدی را در سقوط نظام سرمایه داری می‌گشاید.

نظام سرمایه داری که به سادگی حاضر به پذیرش حاکمیت کار بر سرمایه نیست، اکنون تمام تلاش خود را به کار می‌برد تا با تزریق پول اضافی این عسای موسی سرمایه داری، بار دیگر آب رفته را به جوی بازگرداند و با دولتی کردن موسسات ورشکسته اقتصادی، بدون آنکه به ساختار سرمایه داری لطمه‌ای وارد شود، در حقیقت نظام سرمایه داری را بازسازی کند. این شیوه سرمایه داری برای بازسازی نظام خود ورشکستگی خود را بارها نشان داده است. سرمایه داری دولتی برای اولین بار هنگامی به میدان آمد که نظام رقابت آزاد سرمایه داری پاسخگوی نیازهای روز افزون جامعه انسانی نبود و اولین نمونه‌های خود را در آلمان در دهه ۱۸۸۰ نشان داد. در این مورد بود که شاهد دولتی شدن حمل و نقل، انرژی، صنایع نظامی و بخشی از بانکداری و غیره بودیم. همین دولتی شدن بعد از جنگ جهانی اول خود را به صورت حکومت‌های فاشیستی موسی و هیتلر نشان داد که بخش‌های دیگری از صنایع دولتی شدند. این دولتی شدن‌ها پس از جنگ جهانی دوم گسترش بیشتری یافت و در بسیاری از کشورها بخصوص کشورهای اروپایی مهد سرمایه داری صنایع بسیاری وابسته به دولتها شدند. این دولتی سازی‌ها نظام بیمه، آموزش و پرورش حمل و نقل انرژی صنایع نظامی و فضایی و چند رشته‌ی دیگر را در بر گرفت. اما مجدداً با بحران دهه ۱۹۷۰ شعار خصوصی سازی و بازگشت به لیبرالیسم قرن نوزدهم آغاز شد. دولتی کردن که در حقیقت سرمایه داری را در بخش‌هایی از تولید با مشکل افزایش سود مواجه می‌کرد. به کناری گذاشته شد و تا آنجا پیش رفت که حتا ارتش و سازمان نظامی نیز خصوصی شد. سرمایه داری تنها راه افزایش سود خود را در خصوصی کردن هر چه بیشتر بخش‌های نظامی اقتصادی و فرهنگی یافت. و تا بدان حد پیش رفت که فرهنگ آموزش و پرورش و حتا آبها و جنگلها و رودخانه‌ها و دریاها را نیز خصوصی کرد تا سود سرمایه داری محفوظ بماند و در این زمینه آن‌چنان لجام گسیخته عمل کرد که مسامات حیاتی انسان در روی زمین رو به نابودی گذارد. اکولوژی زندگی انسان به هم ریخت. کره زمین رو به گرمی نهاد، جنگلها و رودخانه‌ها و دریاچه‌ها نابود شد. یخهای قطبی در حال آب شدن و لایه اوزن در حال ناپدید شدن قرار گرفت. هیچ چیز مانع حرص و آز سرمایه داری برای دست یابی به سود بیشتر نبود و زندگی بشر میرفت که در نابودی قرار گیرد. از طرفی سود فزاینده سرمایه داری آن‌چنان بی‌مهابا در نابودی نظام بشری هزینه میشد که میزان بمب‌های اتمی موجود برای نابودی چندین باره زمین کافی است و هزینه‌های مواد مخدر و عیاشی‌ها و قماربازی‌های و تنوع طلبی‌های پوچ این نظام دهها برابر زندگی انسانهای روی کره زمین شد. تنها هزینه‌ی قمارخانه‌ها، دکوراسیون مراکز فساد سرمایه داری بیش از ده برابر سیر کردن گرسنگان می‌شود و هزینه ساخت سلاح‌های مخرب صدها برابر هزینه‌ی آب آشامیدنی سالم و بهداشت چند میلیارد انسانی می‌شود. که در فقر مطلق زندگی می‌کنند. (۱)

بله این نظام اکنون در حال فروپاشی است و دیگر نمی تواند به شیوه ی سابق بیکاران را به جرم ولگردی در خیابانها با باتوم و یا شلاق مورد تعرض قرار دهد. زیرا دیگر بیکاری جزء ذاتی آن شده است. دیگر نمی تواند همانند قبل به هر کجا که خواست لشگر بکشد زیرا که دیگر افکار عمومی جهان همانند گذشته اجازه ی چنین کاری را نمیدهد. از طرف دیگر دولتی کردن موسسات اقتصادی و تولیدی نیز راه حلی است که شکست خود را قبلاً نشان داده است. و به هیچ عنوان نمیتواند برای شرایط دشوار سرمایه داری راهگشا باشد. و در زمانی کوتاه عدم موفقیت خود را نشان خواهد داد. نگاهی به تاریخ دو قرن اخیر نظام سرمایه داری نشان میدهد که گویا این نظام برای حل بحرانهای خود هیچ راه حل جدیدی را نمیشناسد و در یک دور باطلی خصوصیسازی و دولت یسازي برای فرار از بحرانهای خود گرفتار آمده است. هم چنین راهلهای تزریق پول و یا ایجاد بازار کاذب به وسیله ی جنگ های جهانی و منطقیهای که قبلاً بارها آزمایش شده است، نمی تواند بنیستهای موجود این نظام را از میان بردارد. زیرا محور اساسی سرمایه داری که همانا سود است، در هیچ کدام از این راهل ها به چالش کشیده نمیشود. از آنجا که نطفه های نظام آینده را میتوان در بنیستهای نظام گذشته یافت، تنها راه نجات حذف سودمحوری از زندگی اجتماعی در جامعه ی جهانی است. چالشهای نظام سرمایه داری جز با تغییر محور این نظام قابل حل نیست و این امر به گواه تاریخ سیصد ساله سرمایه داری قابل اثبات است. آنچه که همواره این نظام از آن گریزان بوده است و در تقابل با آن قرار داشته همانا محوریت انسان در اقتصاد و تولید و ساختار اجتماعی بوده است.

نظامی انسان محور، تبدیل نظام سودمحور

در برابر سودپرستی و سودطلبی نظام سرمایه داری آنچه قرار دارد نیروی کار انسانهاست که تولید ثروت نعم مادی و سرمایه می کند. اگر نیروی کار انسان وجود نداشته باشد هیچ کالایی وجود نخواهد داشت. این نیروی کار انسان است که هر گونه مواد و یا محصول طبیعت را به کالا تبدیل میکند و این نظام سرمایه داری است که با تملک کالاها هر روز به سود سرمایه میافزاید. از آنجا که انسان مبدا اساسی تولید است پس انسان نیز باید هدف تولید باشد. تولید بدون انسان مفهوم ندارد. پس مصرف کننده تولید باید انسان باشد. هیچ تولیدی بدون صرف کار انسانی بوجود نمیآید. پس نباید هیچ تولیدی بدون نیازهای جامعه ی انسانی برای زندگی وجود داشته باشد. تولید باید به نیازهای انسان و جامعه ی انسانی پاسخ گوید و تولیداتی که به جوامع انسانی زیان میرساند و تنها برای حرص و طمع سرمایه داران است باید به کناری گذارده شود. در یک نظام انسان محور بورسبازی، قمار بازی، سفته بازی، تن فروشی، تجارت مواد مخدر، تجارت انسان، تجارت اسلحه و بسیاری از اشتغال های سودافزای دیگر جایی نخواهد داشت.

نیروی کار

نیروی کار اصلترین سرمایه و پایه ایترین مقوله ی موجود در جامعه ی بشری است. بدون نیروی کار هیچ گونه نعم مادی تولید نمیشود. حتا محصولات طبیعی بدون نیروی کار برای مصرف آماده نمیشود. میوه درختان جنگلی و ماهی رودخانهها و اقیانوسها به وسیله ی نیروی کار چیده میشود و آماده برای مصرف میگردد. هیچ گونه مواد معدنی بدون نیروی کار تبدیل به کالای آماده نمی شود. اساس وجود جامعه انسانی نیروی کار است و اساس تمدن بشر نیز بر نیروی کار استوار است. بدون نیروی کار هیچ ساختمانی وجود نخواهد داشت و بدون نیروی کار هیچ ماشین صنعتی بوجود نخواهد آمد. بدون نیروی کار هیچ کالایی موجود نخواهد بود. در حقیقت، تنها ارزش و معیار ارزش هاست. در حالی که نیروی کار اساس ارزش است اما دارندگان نیروی کار در جوامع امروزی ارزش واقعی خود را ندارند و به شدیدترین وجه مورد استثمار قرار میگیرند. در یک جامعه ی انسانی همگان درگیر کار هستند و از نیروی کار همگان به صورت صحیح استفاده میشود. آن کس که تولید میکند و کالا و یا ماده ی خامی را از شکلی به شکل دیگر در می آورد و آن کس که آن کالا را برای مصرف آماده میکند، آن کس که آن را بسپه بندی میکند و یا نیروی کاری که آن را آماده برای خوردن پوشیدن، و یا استفاده ی بلافصل می کند، همه و همه نیروی کار هستند. کسانی که خدماتی به نیروهای کار ارائه می دهند، از قبیل آموزش نیروی کار، خدمات بهداشت و مراقبتی خدمات نرم افزاری و سخت افزاری انجام کارهای فرهنگی و هنری و حتا انجام خدمات اداری و پشتیبانی و خدمات تخصصی و مدیریتی همه و همه نیروی کار هستند که در مجموع جامعه ی انسانی و وجودش بر روی کار آنان استوار است. نویسندگان روزنامه نگاران هنرمندان ریاضیدانان متخصصین پزشکان و... همه و همه نیروی کار هستند که در استواری تولید و بازتولید و تداوم جامعه ی انسانی نقش دارند. در حقیقت هر آن چه که باعث تداوم جامعه ی انسانی می شود، نیروی کار است. و آن چه که به صورت سرمایه و یا ابزار تولید و یا وسایل کار در دستان تلاش گران امور جامعه انسانی قرار دارند محصول نیروی کار گذشتگان است. اما نظام سرمایه داری با انحصاری کردن ابزار و وسایل تولید و زندگی در دستان عده ی خاص و معدود تلاش می کند تا نیروی کار را به ارزانترین قیمت در اختیار خود بگیرد و از آن برای افزودن بر داراییها و مالکیت خود استفاده کند. نظام سرمایه داری تمام تلاش خود را به کار می برد تا نیروی کار ارزان را به خدمت بگیرد و از این طریق هر چه بیشتر بر ثروت خود بیافزاید. نظام سرمایه داری قدرت نظامی و انتظامی و دادگاه و زندان و پلیس را در خدمت افزایش سهم خود از کار دیگران به کار میگیرد و در حقیقت تمام ابزار قدرت دولتی در خدمت افزایش سرمایه و دارایی عده ای خاص قرار گرفته که از نیروی کار دیگران استفاده میکنند.

زنان در جامعه سرمایه داری

زنان نیمی از نیروی کار جامعه انسانی هستند. و بخشی از سرمایه اجتماعی را تولید و بازتولید میکنند. بدون زنان جوامع انسانی امکان وجود ندارند. و استواری و تداوم هر جامعه بستگی به میزان مشارکت زنان در امور اجتماعی دارد. جامعه ای پیشرفته تر و انسانیتز است که در آن زنان جایگاه واقعی خود را در تولید و مصرف نعم مادی داشته باشند. بلوغ و گسترش پیشرفت جوامع انسانی بستگی به موقعیت اجتماعی و رشد و بلوغ و پیشرفت زنان در آن جامعه دارد. سرمایه داری همواره سعی کرده است تا از نیروی کار ارزان زنان در جهت ارزان نگه داشتن نیروی کار استفاده کند. و در یک جامعه مردسالار از وجود زنان برای انواع

سوءاستفاده های مردان بستری مناسب بسازد. یکی از بنیانهای اساسی سودطلبی سرمایه‌داری کار زنان است که همواره از کار آنان سوءاستفاده شده و ارزش واقعی آن انکار شده است. بخصوص در جوامع سنتی و عقبمانده تر زنان از ابتدایی‌ترین آزادی‌های اجتماعی همانند آزادی انتخاب پوشش، همسر و آزادی برابر در حقوق مالکیت و غیره نیز محروم هستند. در نتیجه به خصوص در جوامع سنتیتر و عقبمانده‌تر اجتماعی زنان به یکی از محورهای حرکت اجتماعی تبدیل شده‌اند و ابتدایی‌ترین خواست آنان برای پذیرش آنان به عنوان نیروی کار نادیده گرفته می‌شود. و حتا آنان را به عنوان نیروی کار اجتماعی در بسیاری از مواقع به حساب نمی‌آورند. درحالی‌که بدون نیروی کار زنان اساس هر جامعه‌ای در هر سطح از تکامل اجتماعی امکان تداوم ندارد. مساله نادیده انگاشتن زنان به عنوان نیمی از نیروی کار یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی نظام سرمایه‌داری است. زیرا اساسا سرمایه‌داری یا کار زنان را به حساب نمی‌آورد و یا تلاش میکند از آن به عنوان ارزان نگه داشتن نیروی کار استفاده کند.

کودکان، محصلین و دانشجویان

کودکان در گردش بازتولید کار اجتماعی قرار دارند و نظام سرمایه‌داری آنان را برای رده‌های مختلف تولید سرمایه و سودافزایی مورد استفاده قرار می‌دهد. بخشی از کودکان از همان ابتدا به وسیله سرمایه‌داری به صورت کالای آماده مصرف به حساب می‌آیند و آنان را به صورت کالا در اختیار مشتریان خود قرار میدهد. چه به صورت کودکان کار و خیابان و چه به صورت کودکان مورد سوء استفاده جسمی و جنسی و استفاده از اعضای بدن آنان و غیره. این بخش از کودکان که به بدترین شکل در نظام سرمایه‌داری لگد مال می‌شوند، یکی از منابع اصلی بالا بردن سود سرمایه‌داری هستند و یکی از کثیفترین و غیر انسانیترین بخشهای سودطلبی سرمایه‌داری را به نمایش می‌گذارند. آنان کودکانی که از این مقطع‌های یافته و توانایی رفتن به مدرسه را دارند در مقاطع مختلف تحصیلی رده‌های مختلف نیروی کار را تشکیل می‌دهند. کودکانی که در مقطع دبستان مجبور به ترک تحصیل می‌شوند اغلب نیروی کار ساده نظیر خدمتکار و غیره را تشکیل می‌دهند و کودکانی که در مقطع دبیرستان مجبور به ترک تحصیل می‌شوند اغلب رده‌های دیگری مانند سیگار فروشی ماشین‌پایی و یا نیروی کاری را تشکیل می‌دهند که تخصص کمتری لازم دارد و رده‌های مختلف تخصصی از تکنسین و مهندس و متخصص و سرپرست و غیره رده‌های دیگری هستند که در مقاطع مختلف تحصیلی برای جایگزینی نیروی کار بازتولید می‌شوند.

کارمندان نیروهای خدماتی تولید اپراتورها و سایر اقشار حقوق بگیر

حقوق‌گیران بخشهای مختلف خدماتی و تولیدی و آنان که کار بوروکراسی و یا تکنوکراتیک انجام میدهند، نیروی کاری هستند که در خدمت نظام سرمایه‌داری قرار دارند. آنان در برابر فروش نیروی کار خود برای حفظ نظام سرمایه‌داری حقوق دریافت میکنند که گاه متناسب با خدمات بهتر و وفاداران‌تر برای نظام دستمزدهای گزافتری دریافت میکنند. آنان نیروی کاری هستند که در بسیاری موارد برای حفظ نظام سودمحور خدمت میکنند اما در این مساله که همه‌ی آنان نیروی کار هستند و تنها نیروی کار خود را عرضه می‌کنند تا زندگی ابتدایی و اولیه‌ای داشته باشند مشترک هستند. این مساله که نیروی کار آنان در بسیاری موارد صرف امور زاید این نظام سود محور می‌شود فرقی در اصل قضیه نمیکند. به عنوان مثال حسابداران و محاسبه‌کنندگان نرخ سود و بهره و کارمندان بانک‌های تجاری و غیره به صورت عمده میزان سود و ربح پول را محاسبه میکنند و با دقیقترین فرمولها برای محاسبه سود پول سروکار دارند و بسیاری از آنان در این امر متخصصند. اما در یک جامعه‌ی انسان محور اساسا به چنین تخصصی نیازی نیست. اما این مساله به معنی آن نیست که آنان جزء نیروی کار نیستند. یا متخصص جرایم پلیسی و حتا مزدوران نظامی نیروی کار خود فروخته‌های هستند که در خدمت حفظ نظام سرمایه‌داری جان خود را هم از دست میدهند و جان دیگران را هم میگیرند تا نظامی را حفظ کنند اما آنان نیز نیروی کار هستند که در یک جامعه انسان محور در خدمت ارتقا و امنیت اجتماعی و در مقابله با بلاها و حوادث طبیعی میتوانند نقش مهمی ایفا کنند.

سایر اقشار، دولتمردان

نظام سرمایه‌داری برای حفظ بینان سودمحور خود و حفظ طبقات بالایی و تسلطه آنان بر جامعه انسانی از تعداد قابل توجهی مدیران متخصصان، وزرا و کلا حقوقدانان و قضات و مجموعهای از متخصصین علوم اجتماعی برای حفظ نظام موجود بهره میبرد. این مدیران و متخصصان و سیاستمداران و آموزش دیدگان برای حفظ نظام موجود اغلب از آموزشهای پیچیده فشرده جامعه‌شناسی ضد مردمی و متخصصان نگهداری و حفظ وضع موجود برخوردارند. آنان اغلب حقوق‌های گزاف و امتیازات فراوانی در این نظام سود محور دارند آنان که گاه درآمدهای بسیار کلان برای حفظ نظام موجود به دست می‌آورند. جالب است بدانیم که در یک بررسی از وضعیت شرکتهای ورشکسته‌ی آمریکایی مقرر شد که مدیران شرکتهای هواپیمای شخصی و گردشگاههای خصوصی خود را باید باز پس دهند و این امتیازات یکی از عوامل ورشکستی این شرکتهای بوده است. این مدیران و متخصصان حافظ نظام همراه با صاحبان سهام و مالکان اسمی شرکتهای بزرگ، تجار بزرگ و صاحبان سرمایه‌های کلان در اصل غارت‌کنندگان نیروی کار هستند که برای تفریحات زندگی انگلوار خود میلیونها نیروی کار را برای هوسرانی خود از کار مفید باز میدارند. میلیونها نیروی کاری که در قمارخانه‌ها مراکز عیاشی مرد بورژوا و سالن‌های مد و... بدون اینکه کار تولیدی و خدماتی مفیدی انجام دهند، در حقیقت به هدر دادن نیروی کار که عامل اصلی ثروت اجتماعی است مشغولند که در یک نظام انسان محور میتوانند به تولیدات و خدمات مفید برای ارتقای جامعه‌ی انسانی بپردازند.

همراه با آنان دلالان صاحبان مشاغل آزاد، اقشار میانه‌ای هستند که به تبلیغ کالاها و فروش غیرضروری آن برای زندگی انسانی می‌پردازند و قشر گسترده‌ای را تشکیل میدهند و در یک نظام انسان محور باید از نیروی کار آنان در تولید وسایل ضروری زندگی انسانی استفاده شود. با به کارگیری نیروهای کار زائد در خدمات اجتماعی و تولیدی، زندگی واقعی انسانی ارتقا یافته و زمینه‌ی ایجاد خلاقیت‌ها و نوآوری برای یک زندگی بهتر با آموزش و پرورش بهتر یا بهداشت و فرهنگ گسترش یافته‌تر و استفاده از

امکانات طبیعی و جلوگیری از نابودی محیط زیست فراهم میشود. امروزه در یک جامعه بسته بسیاری از کارهای زائد انجام میشود که سبب اتلاف نیروی کار است. توزیع نابرابر در نظام سرمایه داری باعث هرز رفتن نیروی کار و آناشی در تولید است. به عنوان مثال در مورد جامعه خودمان چند مورد وجود دارد که می توان متذکر شد: نفت خام به کشورهای پیشرفتهتر صادر می شود و در برابر فرآوردههای نفتی و مواد پلیمری با ده برابر قیمت به طور متوسط وارد می شود. نیروی کار زیادی صرف حمل و نقل و توزیع امور گمرکی و محاسبات در این تغییر و جابهجایی صورت میگیرد. در حالی که در یک نظام انسان محور میتوان کلیه ابزارآلات و موسسات تولیدی برای تصفیه مواد فسیلی را در نزدیکی منابع نفتی ایجاد کرد تا هم از دلالتی ها و واسطهگریهای شرکتها نفتی بزرگ جلوگیری کرده و هم اشتغال در نزدیکی منابع نفتی ایجاد کنند. مورد دیگر سنگ آهن سالانه به میزان میلیون ها تن از ایران به کشورهای چین و هند و... صادر میشود و در برابر آهن و سایر محصولات فولادی وارد می شود. در این حمل و نقل و تبدیل، میلیونها نیروی کار به صورت زائد به هدر میرود (به مقالات جهانی سازی در ایران و سرمایه گذاری در صنایع نفت و پتروشیمی ارجاع داده میشود) این نیروی کار اضافی را میتوان در خدمات بیشتر انسانی به کار گرفت تا انسانها از رفاه بیشتری برخوردار باشند. خدماتی همانند پزشکی، آموزش و پرورش و یامراقبت از کودکان و سالمندان و معلولین به کار گرفت.

قسمت آخر: وظایف ما

از آنجا که کانون مدافعان حقوق کارگر اعتقاد دارد که بنیان جامعه نیروی کار است و دارندگان نیروی کار اعم از کارگر پیدی و فکری و دارندگان نیروی کار تخصصی ارزش واقعی کار خود را دریافت نمیکند و در کنار آن نیمی از نیروی کار خدمات لازم را از جامعه دریافت نمی کنند و وظیفه خود می داند که از تمامی دارندگان نیروی کار در چرخه ی زندگی اجتماعی و حقوق از دست رفته آنان دفاع کند. از این جهت به هر وسیله ممکن از هر جنبش عمومی و دموکراتیک که نظام سود محور را مورد نقد قرار دهد پشتیبانی کرده و از آن حمایت می کند. حقوق دموکراتیک، آزادی های سیاسی و اجتماعی حق آزادی بیان و اندیشه از ابتداییترین حقوقی است که نیروی کار هر جامعه ای باید داشته باشد. حق تجمع اعتراض اعتصاب تظاهرات نیز از همین حقوق ابتدایی است که بدون شک برای همگان بی حصر و استثنا باید وجود داشته باشد (بند ۴ منشور کانون). هر گونه عمل غیر انسانی در برابر خواستههای به حق مردم از قبیل ضرب و شتم برخورد فیزیکی زندان شکنجه و کشتار و... محکوم بوده و باید با تمام توان در برابر آن ایستادگی شود. این استراتژی درازمدت برای محافظت از نیروی کار ضروری است.

ایجاد تشکلهای صنفی و نهادهای نمایندگی نیروی کار

نمایندگان نیروی کار باید در همه عرصه های سیاسی اجتماعی و فرهنگی حضور داشته باشند و جلو سودمخوری که مبنای رانتخواری و فساد اجتماعی و اخلاقی است، را بگیرند. مامعتمدیم که ایجاد نهادهای نمایندگی نیروی کار در همه عرصه های اجتماعی میتواند از هدر رفتن و هرز نیروی کار جلوگیری کند و مانع هر گونه فساد اجتماعی و اداری، رانتخواری و رشومخواری گردد. و جلو اشتغالهای کاذب و دلالتی را بگیرد. این نمایندگان نیروی کار هستند که میتوانند چرخه تولید و اقتصاد اجتماعی را به مسیر صحیح هدایت کند. و برای آنکه این نمایندگان به صورت واقعی و در یک فضای سالم انتخاب شوند، وجود آزادیهای سیاسی و اجتماعی از ضروریات است و در نتیجه کانون باید از هر حرکتی برای بدست آوردن این آزادیها حمایت کرده و با شرکت در آن در ارتقای آن حرکت تمام توان خود را به کار گیرد.

راه رسیدن به جامعه برتر

برای رسیدن به جامعه ای انسان محور کانون نمیتواند هیچ تاکتیکی را رد کرده و هیچ تاکتیکی را مطلق کند انتخاب تاکتیکها در رسیدن به جامعه ای انسان محور با تجربه گذشته مبارزات آزادی خواهانه بیشتر بر عهده مردم است. مردم در مبارزات خود تاکتیکهایی متناسب با حرکت و خواستههای خود در پیش می گیرند که این تاکتیکها برخاسته از شرایط اقتصادی و اجتماعی خاصی است. هر چند گروهها و تشکل ها نیز میتوانند متناسب با حرکتها اجتماعی تاکتیکهایی را ارائه دهند اما تداوم آن تاکتیکها بستگی به خواست و توانایی حرکت های مردمی دارد. اعتصاب تحسن، یا حرکت اعتراضی خیابانی وی حق برگزاری یک مراسم شادمانی و یا عزاداری هر نوع حرکت دیگری بستگی به درجهی رشد و آگاهی اجتماعی دارد که در شرایط مختلف میتواند اتخاذ شود. ارائه شعارهای مناسب در هر شرایط میتواند در ارتقا و گسترش آن تاکتیک راهگشا باشد.

زیر نویس:

(۱) بر طبق آمار ارائه شده توسط خبر گزاریهایی تعطیلی قمارخانه ها در روسیه چهار صد هزار نفر را بیکار میکند / اخبار صدای آمریکا ۸۸/۴/۹